من امر بالمعروف ونهی عن المنکر فهو خلیفه الله فی الارض وخلیفه رسوله

هر که امر به معروف و نهی از منکر کند، او جانشین خدا در زمین و جانشین رسول اوست.

دیدگاه

نقش جامعه قرآنی در بازسازی ساختارهای فرهنگی

محمود آسن، داور مسابقات قرآن معتقد است اساتید قرآنی باید مشخص کنند هدف از قرآن‌آموزی چیست و چگونه می‌توانیم سبک زندگی قرآنی را در هر موقعیتی اجرا کنیم. وی در گفت‌وگو با ایکنا، به تبیین نقش جامعه قرآنی در بازسازی ساختارهای فرهنگی پرداخت و گفت: برای رسیدن به این هدف باید ابتدا وحدت باشد و در این زمینه باید کار شود.

وی تصریح کرد: اساتید پیشکسوت باید کارگاهی برای جامعه قرآنی برگزار کنند که مشخص کند هدف از قرآن‌آموزی و رشته‌های مختلف قرآن از جمله حفظ، قرائت و... چیست و ما چطور باید سبک زندگی قرآنی را در اداره یا شغل آزادی که هستیم، پیاده کرده و رفتارمان چطور باشد که بتوانیم دیگران را جذب نماییم.

آسن با تأکید بر اینکه این اعمال هستند که تأثیرگذارند و می‌توانند تحول ایجاد کنند نه فقط سخنرانی و صحبت کردن و برگزاری مسابقات، افزود: باید این آموزش را داشته باشیم تا قرآنیان بدانند وظیفه سنگینی بر عهده دارند و نباید مثل دیگران بی‌تفاوت باشند.

این داور مسابقات قرآن ادامه داد: باید کارگاه آموزشی برگزار شود و اساتید قرآنی هر شهری با یکدیگر ارتباط داشته باشند، مجمعی باشد و چند مدت یک‌بار با هم جلسه داشته باشند و هر کدام گزارش کار خود را ارائه دهند که چه کاری انجام دادند، همچنین خیرانی که نظارت دارند و کارهای اداری این تشکیلات را انجام می‌دهند، حضور داشته باشند تا ببینند چه کمبودها و ضعف‌هایی وجود دارد تا اساتید بدون دغدغه کار خود را انجام دهند.

وی با یادآوری اینکه این تشکیلات قوی در حال حاضر وجود ندارد، بیان کرد: ۲۷-۲۸ سال پیش چنین گروهی داشتیم که اساتید شهر در مسجد امام حسین(ع) شیراز جمع می‌شدند ولی کم‌کم این کار رها شد، چون ناظری نبود که توجیه و راهنمایی کند هدف کوتاه‌مدت و بلندمدت این جلسات چیست. اکنون هدف کوتاه‌مدت و جزئی داریم که به مدارس برویم و مدارس و محله‌ها را شناسایی کنیم که کدام مذهبی‌تر و کدام در این زمینه ضعیف‌تر است و علت چیست.

آسن با یادآوری اینکه امام خمینی(ره) مستمر آیه ۴۶ سوره سبأ را در سخنرانی‌های خود می‌خواند و بر اساس همین آیه هم قیام کرد، اظهار نمود: در این آیه خداوند به زبان پیامبر(ص) فرموده که من همین موعظه را به شما می‌گویم، برای خداوند قیام کنید یا تک تک یا دو نفر دو نفر. یعنی اگر دو نفری نشد، تنهایی و هر کس به وظیفه خود عمل کند. همه افراد بشر مسئول هستند و وقتی توجیه شوند خودجوش می‌آیند و وظیفه خود می‌دانند دربرابر نسل آینده بی‌تفاوت نباشند. در کشورهایی که از نظر فناوری موفق هستند مثلاً فنلاند که بهترین نظام آموزشی اروپا را دارد، بزرگ‌ترها از جمله معلم، مدیر، خانواده و وزیر آموزش و پرورش پیگیر هستند که آموزش در چه سطحی است و چه نقص‌هایی وجود دارد.

داور مسابقات قرآن در پایان با تصریح بر اینکه مشکل اساسی ایران امور تربیتی و پرورشی است، اظهار کرد: اگر بتوانیم کودکان را پرورش دهیم که به شوق و ذوق به خداوند داشته باشند همه مشکلات حل می‌شود. والدین وقتی ببینند بچه‌ها جذب شدند، مشارکت می‌کنند و به این وسیله می‌توانیم اتحاد را بین مردم به وجود بیاریم تا دیگر تفرقه و بی‌تفاوتی نباشد؛ امام خمینی(ره) می‌فرمود یک مملکت وقتی از بین می‌رود که ملتش بی‌تفاوت باشند.

تازه‌های نشر

کتاب «پویش پیامبر» منتشر شد

«پویش پیامبر» تازه‌ترین اثر سیدمجتبی حسینی است که پیش از این نیز مجموعه آثار او در انتشارات کتاب نیستان منتشر شده است.

به گزارش ایلنا، «پویش پیامبر» در قالب مجموعه‌ای از سخنرانی‌های حسینی درباره شخصیت و وجود پیامبر اکرم(ص) در هفت فصل تدوین شده و به ترتیب موضوعات معرفت و محبت، خلقت تا بعثت، بعثت تا رحلت، معراج، وحی و تجربه نبوی و خاتمیت، سلوک فردی و سلوک اجتماعی در شخصیت ایشان را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

این مجموعه سخنرانی به صورت طبقه‌بندی شده و با استنادهای متعدد از منابع روایی و با ایراد برهان و دلایل منطقی و در عین حال همه فهم به سراغ موضوع مورد توجه خود رفته و سعی کرده شخصیت عظیم‌الشأن پیامبر اکرم(ص) را در این هفت فصل مورد توجه قرار دهد.

حسینی در بخشی از این اثر هدف از نگارش آن را ایجاد معرفت و شناخت هر چند اندک درباره شخصیت پیامبر اکرم(ص) اعلام و بیان می‌کند: اگر صرف‌نظر از مباحث کلامی و نظری صرف، در جامعه اسلامی تنها خوبی‌های پیامبر اکرم(ص) را شناخته و به دیگران نیز بشناسانیم، نوعی جذبه عمومی نسبت به شخصیت ایشان ایجاد و بسیاری از افراد با شناخت این شخصیت و رفتار و اخلاق او مسلمان می‌شوند و حتی اگر هم مسلمان نشوند، در مقابل این شخصیت سر تعظیم و احترام فرود خواهند آورد. حسینی در صحت این اظهارنظر بر این مدعی نیز دست می‌گذارد که در صدر اسلام هم بیش از اینکه مردم با سلاح یا با مباحث نظری پیچیده پیامبر(ص)، جذب ایشان شوند با جذبه شخصی پیامبر به ایشان و اندیشه‌اش گرایش پیدا می‌کردند تا جایی که ایشان حتی با سکوت خود نیز مردم را به سوی خود جذب می‌کرد و نیروی جاذب او ریشه در درون الهی و مأموریت الهی‌اش داشت. متن این کتاب همانند سخنرانی‌های او ساده و شیوا و در عین حال بسیار گرم و گیرا و با ادبیاتی که مخاطب را به تأمل و تدقیق فرو می‌برد تنظیم شده و با توجه به دقت‌نظر راوی در ایراد سخنرانی‌ها، سعی شده با برهم نزدن ترتیب و شکل ایراد این سخنرانی‌ها، تا حد امکان قدرت تأثیرگذاری مکتوب اثر نیز مانند نسخه صوتی آن باشد.

حج و زیارت

رشیدیان: وزارت حج عربستان اطلاعیه‌ای به ما نداده است

سکوت سعودی‌ها در قبال حج

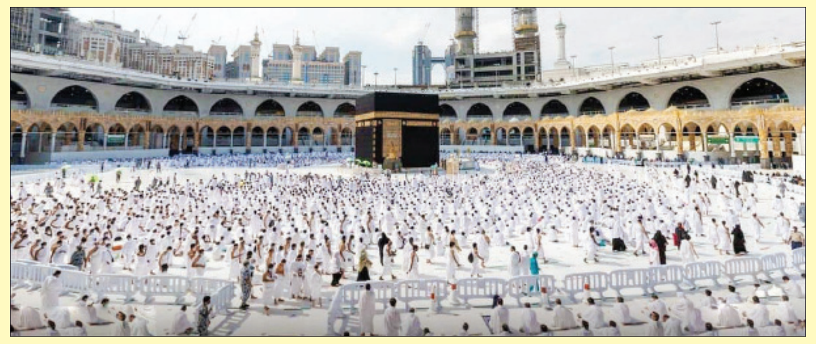

در حالی که ۶ ماه تا برپایی مراسم حج تمتع ۱۴۴۳ باقی مانده است، طرف سعودی هنوز برنامه‌ریزی اولیه هم برای وضعیت حج تمتع نکرده و میلیون‌ها زائر در انتظار تصمیم عربستان هستند.

به گزارش فارس، در حالی که میلیون‌ها زائر در انتظار برقراری سفر حج تمتع هستند، هنوز طرف سعودی وضعیت حج تمتع سال ۱۴۴۳ را مشخص نکرده و همه کشورها با وجود اینکه ماه جمادی‌الثانی را سپری می‌کنیم، در بلاتکلیفی هستند.

■ **احتمال ادامه محدودیت‌ها برای حج تمتع ۱۴۴۳**

البته برخی منابع آگاه از برنامه‌ریزی عربستان برای برپایی محدود حج تمتع خبر داده و معتقدند حج تمتع ۱۴۴۳ همچون حج گذشته با محدودیت‌های خاص برگزار خواهد شد و امکان تشرف میلیونی زائران به خانه خدا وجود ندارد.

■ **حضور زائران خارجی در حج تمتع منوط به وضعیت بهداشت جهانی است**

با وجود این، مسئولان وزارت حج عربستان در جلسات گذشته حضور محدود زائران از برخی از کشورها را نیز مطرح کرده‌اند که متولیان امر به دلیل نامشخص بودن وضعیت ویروس کرونا و سایر ویروس‌ها که در جهان در حال گسترش است، تصمیم‌گیری درباره حضور زائران خارجی را منوط به وضعیت بهداشت جهانی در روزهای منتهی به حج تمتع اعلام کرده و از مسئولان خواسته‌اند به برخی کشورها اعلام آمادگی کنند تا در صورت امکان برای پذیرش زائران محدود، برنامه‌ریزی مناسبی صورت دهند. اما این امر در جلسات اخیر رد شده و به نظر می‌رسد سعودی‌ها درباره حج تمتع ۱۴۴۳ هنوز به جمع‌بندی اولیه هم نرسیده‌اند.

■ **سعودی‌ها درباره حضور زائران خارجی صحبت نمی‌کنند**

به گفته یک منبع آگاه، در حال حاضر سعودی‌ها تمایلی به برگزاری مراسم حج تمتع با حضور زائران خارجی ندارند و با توجه به وضعیت ویروس‌ها در جهان و نگرانی برای ورود ویروس‌های مختلف به عربستان موجب شده آن‌ها برای پذیرش زائر خارجی در ایام حج تمتع تردید داشته باشند.

همچنین هفته گذشته در جدیدترین جلسه مسئولان وزارت حج عربستان برای برنامه‌ریزی حج تمتع ۱۴۴۳، به پذیرش زائر خارجی اشاره نشده است.

با توجه به وضعیت کنونی امیکرون در عربستان، محدودیت‌هایی در حرمین شریفین اعمال می‌شود و حتی تعداد زائران خانه خدا که تا روزانه ۷۰هزار نفر شده بود، به طور چشمگیری کاهش یافته است و فضای زیارتی مسجدالحرام توسط متولیان خانه خدا محدود شده تا تعداد زائران کمتری پذیرش شوند. حتی فاصله اجتماعی و استفاده از ماسک در همه بخش‌های خانه خدا الزامی است.

■ **تشرف زائران برخی کشورها به عمره مفرده ادامه دارد**

بر همین اساس، به نظر می‌رسد در صورت ادامه این روند، حج تمتع امسال نیز بدون حضور زائران کشورهای مختلف برگزار شود. البته در حال حاضر با وجود اعمال محدودیت‌ها از سوی سعودی‌ها، پذیرش زائران خارجی برای تشرف به عمره مفرده از برخی کشورها همچون عراق و پاکستان ادامه دارد.

در سال‌های گذشته که خبری از شیوع کرونا نبود، سالانه تا حدود ۲ میلیون زائر از کشورهای مختلف به سرزمین وحی مشرف می‌شدند. اما در دو سال اخیر به دلیل شیوع کرونا، عربستان از پذیرش زائر خارجی امتناع و در سال گذشته حدود ۱۰هزار و امسال هم ۶۰هزار زائر ساکن عربستان را برای ایام حج تمتع پذیرش کرد. این اقدام سعودی موجب اعتراض بسیاری از کشورها همچون ایران، ترکیه و پاکستان شد. اما طرف سعودی بی‌توجه به اعتراض‌ها، حفظ سلامت زائران را بهانه نپذیرفتن زائر خارجی عنوان کرد.

برای حج تمتع سال ۱۴۴۳ نیز با توجه به برنامه‌ریزی مسئولان وزارت حج عربستان، اعمال محدودیت‌ها و حتی نپذیرفتن زائران خارجی دور از انتظار نیست. با وجود این، مسئولان کشورمان با اعلام آمادگی برای تشرف زائران به خانه خدا، در انتظار تصمیم سعودی‌ها هستند.

■ **رشیدیان: اطلاعیه‌ای از سوی وزارت حج و عمره عربستان نداشتیم**

علیرضا رشیدیان، رئیس سازمان حج و زیارت نیز با بیان اینکه هنوز هیچ اطلاعیه‌ای از سوی وزارت حج و عمره عربستان به ما اعلام نشده، می‌گوید: با توجه به برنامه‌ریزی صورت گرفته برای انجام عملیات حج تمتع در سال ۹۹، ما آمادگی لازم برای اعزام زائران ایرانی را داریم و امیدواریم حج تمتع ۱۴۰۱ شمسی (۱۴۴۳ هجری) با حضور زائران ایرانی برگزار شود.

البته یکی از شروط سعودی‌ها برای پذیرش زائر خارجی در حال حاضر واکسیناسیون است؛ به طوری که همه زائران باید پیش از تشرف به خانه خدا برای عمره مفرده واکسن‌های مورد تأیید سعودی را تزریق کرده باشند که این واکسن‌ها از سوی وزارت بهداشت عربستان، جانسون اند جانسون، مدرنا، فایزر و آسترازنکا اعلام شده است. علاوه بر این، با توجه به اینکه بسیاری از کشورها واکسن چینی تزریق کرده‌اند، در ماه‌های گذشته سعودی‌ها واکسن‌های سینوفارم و اسپوتنیک را نیز بلامانع دانسته‌اند.

■ **زائران واکسن‌های مورد تأیید سعودی را بزنند**

بر همین اساس، اکبر رضایی، معاون حج و عمره سازمان حج و زیارت با بیان اینکه زائرانی که قصد تشرف به خانه خدا را دارند باید واکسن مورد تأیید عربستان را تزریق کنند، به خبرنگار فارس می‌گوید: زائران واکسن آسترازنکا را به عنوان دز یادآور تزریق کنند. البته با دستورالعمل سعودی‌ها آن‌هایی که واکسن سینوفارم و اسپوتنیک زده‌اند هم پس از قرنطینه ۴۸ ساعته و تست PCR منفی می‌توانند به زیارت خانه خدا مشرف شوند. البته این شروط برای عمره مفرده است و هنوز درباره حج تمتع طرف سعودی اطلاعیه‌ای صادر نکرده است.

به گزارش فارس، پس از تعطیلی حج تمتع برای زائران خارجی از ابتدای شیوع کرونا، با توجه به سهمیه ۸۵ هزار و ۵۰۰ نفری ایران، بیش از ۷۴هزار نفر ثبت‌نام خود را با پرداخت همه هزینه‌های سفر قطعی کردند تا سال بعد به این سفر معنوی مشرف شوند. اما سعودی‌ها هم امسال زائر خارجی نپذیرفتند و همچنان زائران کشورمان منتظر تشرف به سرزمین وحی و حاجی شدن هستند.

حکمت

بین دوخانه

لقمان به پسرش سفارش کرد: «ای پسرم، بدان تو از هنگامی که از شکم مادر به دنیا آمدی، به دنیا پشت کرده‌ای و به آخرت رو آورده‌ای؛ پس بین دو خانه‌ای قرار گرفته‌ای که به یکی نزدیک می‌شوی و از دیگری دور. همت خود را جز برای آباد ساختن خانه‌ای که نزدیکش می‌شوی و اقامت تو در آن طولانی خواهد بود، قرار مده؛ زیرا برای همین آفریده شده‌ای و مأمور تلاش برای آن گشته‌ای».

محسن فاطمی نژاد

«فاطمه می‌داند همه گفته‌هایی که بگوید، توصیف دقیق و شایسته‌ای از علی نخواهد بود!... زنان دیگر، شوهرانی دارند که خوب‌اند... مهربان‌اند... کارگرند... مدیر و مدبر امور خانه و بیرون‌اند... فرزندان و اهل خانه را دوست دارند... اهل اعتکاف و عبادت‌اند... اما این داشته‌ها را «با هم» ندارند. فاطمه خوب می‌داند صداهای گنگی که گاهی شبانه و روزانه از خانه‌های اطراف می‌شنود، فریاد کمک‌خواهی زنانی است که یا کبود از زخم تنبیه همسرند... و یا میان بارداری، وادار به خواستاری زنی دیگر برای مردشان شده‌اند... و اینک، هوا را به نفرین و گلایه آلوده‌اند. فاطمه زنان مدینه را خوب می‌شناسد و زنان مکه را خوب‌تر می‌شناسد... وی می‌داند روزگار زنان اهل مدینه هم بهتر از زنان اهل مکه نیست... فاطمه امیدوار است توصیف مردانگی علی (و شوق همسرانه‌اش) خوی خشمناک زنان را به هدایت مردان مشتاق کند... هدایتی در پرده مهر و به مقصد افزونی «رحم و مردانگی» با زنان... وقتی زنان مدینه بدانند مردی که به دست خود از چاه‌ها آب می‌کشد... و دستان زمخت و خسته‌اش، غروب‌ها و پس از بازگشت به خانه (از مسجد)، همسرش را در آغوش می‌کشد... همان «سوار چالاک بدر و احد»... و کننده در بزرگ و سنگین قلعه یهودیان در منطقه خیبر است... وقتی زنان مدینه این‌ها را بدانند، شاید کمی مردانشان را سر شوق مهر و آرامی بیاورند...».

این‌ها بخشی از رمان «رسیدن به خاتونی که می‌رود» به قلم سیدمحمد سادات اخوی است که در آن زندگانی حضرت زهرا(س) را در قالب یک رمان آورده و تلاش کرده با گره زدن آن به یک قصه موازی که در دوران معاصر در حال رخ دادن است، مضامین فراتاریخی زندگی اهل بیت(ع) را به اکنون مخاطب پیوند بزند. انتشار این رمان توسط انتشارات کتابستان معرفت بهانه‌ای شد تا با محمدسادات اخوی در خصوص دشواری‌های دستمایه قرار دادن مضامین تاریخی و دینی برای مخاطب امروزی صحبت کنیم.

■ **کتاب در حال روایت موازی دو قصه تاریخی و معاصر با هم است. وجه اشتراک یا تضادی که این دو قصه یا این دو موقعیت با همدیگر داشته‌اند، چیست که شما آن را دستمایه نوشتن قرار داده‌اید؟**

روایت موازی قصه‌ها را از چند سال پیش و با کتاب «سال‌های هفتم» شروع کردم که درباره حضرت موسی بن جعفر(ع) بود. قصه معاصری که روایت می‌شود، داستان نویسنده‌ای است که سفارشی را از ناشری برای نوشتن زندگی حضرت زهرا(س) گرفته است. همین‌طور که شروع به کار نوشتن می‌کند، چون رفاقتی نیز با ناشر دارد، تصمیم می‌گیرد این کار را در دفتر ناشر انجام دهد تا هم زیرنظر ناشر باشد و هم اینکه سرعت کار، بهانه‌ای برای تأخیر ایجاد نکند و بگوید من منزل هستم، سرم شلوغ است و در دفتر کار ناشر کار را انجام می‌دهد. ناشر خودش درگیر موضوع و درگیری‌هایی با خانواده شخصی خودش است؛ بیشتر درگیر خاله و شوهرخاله‌ای است که آدم بزن بهادری بوده ولی در همان جوانی توبه کرده، اما همه فرزندانی که از ازدواج او با خاله ناشر به دنیا آمده‌اند، دختر هستند در حالی که او پسر می‌خواهد. برای این موضوع هم زنش را زیرفشار قرار می‌دهد که اگر این فرزند هم دختر باشد، فلان کار را می‌کند و اصطلاحاً به صورت جدی او را تهدید می‌کند.

این مسائل زندگی ناشر به‌علاوه درگیری‌هایی که در زندگی خود نویسنده وجود دارد موجب می‌شود مخاطب بین این روایت که در دوران معاصر در حال روی دادن است با قصه موازی که روایتگر مقاطعی از دوران زندگی حضرت زهرا(س) از زمان جاهلیت و زنده به گور کردن دختران و باورهای جاهلی تا تولد ایشان و پس از آن است، اشتراکات مضامین زیادی پیدا کند. کشف و شهودی که مخاطب در مسیر رمان درباره شخصیت حضرت زهرا(س) پیدا می‌کند در واقع کشف‌هایی است که نویسنده شخصیت اصلی ما دارد پیدا می‌کند. یعنی همان‌طور که مخاطب ما گام به گام در قسمت داستان تاریخی حضرت زهرا(س) را می‌شناسد، نویسنده نیز گام به گام همین مسیر را طی می‌کند و معرفتش بر شخصیت حضرت زهرا(س) بیشتر می‌شود. طبیعی است که قصه تاریخی، مسیر تاریخی خودش را می‌رود و قصه امروزی دراماتیک‌تر است، ماجرای خودش را دارد و محورش نیز دیالوگ است، یعنی ما در بخش تاریخی بیشتر به توصیف و دیالوگ اتکا داریم و در بخش امروزی صرفاً دیالوگ داریم و اگر جایی توصیفی می‌آید در حد نیم تا یک خط در حد توصیف دیالوگ استفاده می‌شود. اتفاقاتی نیز که می‌افتد، رفتاری که با حضرت صدیقه(س) می‌شود، با پرهیز از معادل‌سازی است چرا که شأن ایشان به عنوان سیده زنان عالم است و اصلاً دلیلی ندارد بخواهیم کسی از زنان امروزی را با ایشان مقایسه کنیم. با پرهیز از اشتراک و تناسب و مقایسه و امثال این‌ها، انتهای ماجرا به ماجرای تاریخی شهادت حضرت زهرا(س) می‌رسیم و در قسمت نهایی قصه امروزی هم رمان به پایان می‌رسد.

از نقاط عطف شکل‌گیری قصه در ماجرای تاریخی زمانی است که برای حضرت زهرا(س) خواستگار می‌آید که در نهایت منجر به ازدواج با حضرت امیر(ع) می‌شود و این ازدواج و مسائل پیش و پس از آن، در ماجراهای منجر به شهادت ایشان به مثابه کلیدهایی عمل می‌کنند و ما را به ریشه برخی از مسائل ارجاع می‌دهند. در حقیقت ریشه بیشتر این مسائل به خاطر وجه ممیزه‌ای است که در حضرت امیرالمؤمنین(ع) وجود دارد که البته پیش از این در رمان «دویدن تا مردی که جلوتر است» که در خصوص زندگانی حضرت امیر(ع) است اشاره‌هایی داشته‌ام. از مؤلفه‌های برجسته‌ای که در بخش تاریخی رمان روی آن تأکید شده، بحث دفاع از ولایت حضرت امیر(ع) توسط حضرت زهراست که همه‌جوره توسط ایشان اتفاق می‌افتد. از آنجایی که بخش تاریخی تقریباً همه روایت‌ها قابل پیش‌بینی و چیزی است که کم و بیش همه با آن آشنایی دارند، نقاط عطف را مورد اشاره قرار دادم، ولی در بخش معاصر بالطبع شاید جالب نباشد نقطه عطف ماجرا را الان بگوییم و بهتر است رسیدن به این نقطه را به خود مخاطبان و خوانندگان کتاب واگذار کنم.

گفت‌وگو با محمد سادات اخوی، نویسنده رمان «رسیدن به خاتونی که می‌رود» در خصوص زندگانی حضرت زهرا(س)

ادبیات دهه ۶۰ مناسب مخاطب امروزی نیست

گزیده

الان همه چیز در فضای مجازی خلاصه شده است و خیلی از این جلسات برای انتقال این معارف در فضای حقیقی کمتر شده‌اند. بنابراین وظیفه‌ای که بر دوش نویسنده گذاشته شده، وظیفه سنگین‌تری است، چرا که باید هم مخاطب را بشناسد و هم زاویه‌ای که برای روایت از تاریخ انتخاب می‌کند را بسیار دقیق انتخاب کند و با وسواس فراوانی کلمات و ادبیات را به کار بگیرد.

■ **نوشتن بخش‌های تاریخی قطعاً نیازمند تکیه بر پژوهش است. شما روی چه منابعی از شیعه و اهل سنت تکیه کرده بودید؟**

من چون از دهه ۶۰ در هیئت مرحوم پدربزرگم سخنرانی می‌کردم و علاقه داشتم و علمای بسیاری را نیز دیده بودم، خیلی علاقه‌مند به مطالعه در خصوص زندگی حضرت امیر و حضرت زهرا(س) بودم. طبیعی است خیلی از هیئتی‌ها وقتی به اسم ایشان می‌رسند، شیفتگی، عشق و بروز احساساتشان بیشتر است. بنابراین از همان دوران هر کتابی که به دستم می‌رسید می‌خواندم و حالا کمی عمیق‌تر؛ از دهه ۷۰ به بعد الغدیر و مجموعه‌های پراهمیت‌تری مثل آثار مرحوم شیخ عباس قمی و در دوران معاصر کتاب‌هایی همچون کتاب‌های دکتر زورق، علامه حکیمی و بقیه آثار برجسته را در خصوص حضرت صدیقه طاهره(س) مطالعه کردم. حتی برای این موارد نگاه ویژه‌ای به منابع اهل سنت داشته‌ام و هم در کتاب «دویدن تا مردی که جلوتر است» و هم در «رسیدن به خاتونی که می‌رود» مسائلی که اختلافی بوده و ایجاد تنش می‌کرده را کنار گذاشته‌ام و دقیقاً چیزهایی را نوشته‌ام که بین شیعه و سنی مشترک است. ضمن اینکه اگر کسی با انصاف و عدالت بخواهد روی این موضوع تأمل کند می‌بیند در منابع اهل سنت مسائل بیشتری در خصوص ماجراهای منجر به شهادت حضرت زهرا(س) مورد اشاره قرار گرفته است. در کل آنچه در این کتاب آمده، چیزی است که مورد قبول اهل سنت و تشیع است. هر چند می‌شد در مسائلی به کتاب «اسرار آل‌محمد» سلیم بن قیس هلالی هم استناد کرد ولی به خاطر اینکه می‌دانستم احتمالاً اهل سنت خیلی از مسائل آن را قبول ندارند، از آن چیزی در این کتاب نیاورده‌ام. در نهایت اینکه آنچه از گذشته تا امروز به دستم رسید و علاقه‌مند به خواندن آن بودم را خوانده و سعی کرده‌ام از دست نرود.

■ **چرا این شکل از روایت موازی را به لحاظ قالبی و شکلی به کار برده‌اید؟ یعنی فصل به فصل و به تفکیک از هم پیش برده‌اید، در حالی که شاید به‌واسطه اینکه ما با یک ماجرای نوشتن یک قصه در خصوص حضرت زهرا(س) توسط نویسنده روبه‌رو هستیم چه بسا می‌توانستیم شکل در هم تنیده‌تری از روایت را در این اثر ببینیم؟**

این‌طور نیست که هر فصلی با فصل تاریخی دقیقاً قرینه باشد، چرا که به‌واسطه اجباری که پیش می‌آمد، کار اصطلاحاً بی‌نمک از آب درمی‌آمد در حالی که من دوست داشتم در مقام نویسنده قصه را با رهایی روایت کنم و شخصیت اصلی قصه به‌آرامی کشف و شهود کند و تلقین و شتابی در این خصوص برای او وجود نداشته باشد. برای خودم نیز خیلی مهم بود هر کسی که کتاب می‌خواند احساس نکند شتاب نامعقولی در اثر اتفاق افتاده است.

■ **کلاً به لحاظ قالب و شکل، به نظرتان نزدیک شدن به مضامین حساسیت‌برانگیزی چون زندگانی ائمه و به‌خصوص حضرت زهرا(س) باید به چه صورت باشد؟ باید از طریق قصه فرعی و شخصیت‌های درجه دو و سه تاریخی سراغ این‌ها رفت، روایت اپیزودیک داشت یا همین روایت‌های موازی را انتخاب کرد؟**

این بحث از دهه ۶۰ و ۷۰ بین نویسندگان کودک و نوجوان مطرح شده بود و خود من درباره آن صحبت کرده بودم. مسائل زیادی مطرح شد ناظر بر اینکه باید این‌ها را بازنویسی کرد، بازآفرینی کرد، نقد تاریخ کرد و... . دومین نکته این است که به نظرم گروه سنی نوجوان الان کاملاً در گروه‌های سنی بزرگسال حل شده است. در فضای مجازی خیلی نمی‌شود تقسیم تفکیکی را که کانون پرورش فکری به ترتیب گروه سنی می‌کرد رعایت نمود. مگر اینکه این تعریف را قرار دهیم که استاد رحماندوست در دوره‌های ساده‌نویسی دهه ۷۰ به ما یاد دادند و می‌گفتند معیار را بر این بگذارید که بچه‌های کلاس اول تا چندم، کلمه‌هایی که در کتاب درسی یاد گرفته‌اند را بفهمند، یعنی این بزرگ‌ترین نکته برایشان باشد. فرق گروه سنی را در این ببینیم.

من چون بر همه آثارم منتشر شده اشراف ندارم نمی‌توانم حرف دقیق بزنم. می‌دانم نویسندگان ما حوزه‌های کاریشان اقتضائات خودشان را دارد و آدم‌ها با شرایط گوناگون می‌نویسند و یقیناً نمی‌توان برای همه نسخه واحدی را تجویز کرد. ممکن است کسی سراغ همین ماجرای واحدی که من از زندگی حضرت صدیقه(س) روایت کردم برود و ترجیح بدهد رمان کاملاً مستقل و بی‌اشاره به تاریخ بنویسد... مثلاً با گرایش حقوق زنان ولی ایده‌اش را از این اتفاق گرفته باشد. ممکن است کسی برود و صرفاً تاریخ را بنویسد ولی من در این چند کتابی که در این سه دهه منتشر کرده‌ام، همه نوع را آزمایش کرده‌ام؛ یعنی گاهی دیده‌ام بعضی حرف‌ها باید جدی مطرح شود همان‌طور که در کتاب «رنج آمدن شدن» نوشتم. گاهی اوقات نیز می‌توان یک مفهوم را در قالب رمان نوشت که «با چشمانی باز» نمونه آن است. گاهی نیز دیده‌ام تلفیق این‌ها جواب می‌دهد. همه این‌ها به دیدگاه نویسنده بستگی دارد. آن سویی که نویسنده برای مواجه شدن با تاریخ می‌گیرد و برداشتی که از تاریخ می‌کند، علاقه شخصی خودش به موضوع و به‌ویژه نکته‌ای که همیشه برای من مهم‌ترین رکن بوده است، مخاطب زمان است. قطعاً مخاطب دهه ۶۰ با الان کاملاً فرق کرده است. یعنی الان کسی که فکر کند ما همان مخاطب دهه ۶۰ را داریم و می‌تواند با ادبیات و رسانه و کتابت آن دوره سراغ او برود، خیلی شانس بیاورد این می‌شود که مخاطب کمی اثرش را تورق و یا درفضای مجازی مرور ساده کند. چه بسا در آن دوران ما یک اسم در خصوص حضرت زهرا(س) می‌آوردیم برای اینکه مخاطب را با خودش همراه کند کفایت می‌کرد، ولی الان مخاطب دهه ۸۰ ممکن است به توضیح بسیار زیاد نیاز داشته باشد تا درک کند تفاوت شخصیت حضرت زهرا(س) با شخصیت‌های دیگر زنان در چیست. در حالی که دهه ۶۰ و ۷۰ این‌طور نبود و ما با دهه چهلی یا پنجاهی‌ها اشتراکاتی داشتیم و همین که یک اسم به ما می‌گفتند ما هم شخصیت‌ها و هم حوادث را می‌شناختیم و از طریق منبر، کتاب، مکالمه‌ها یا جلسات دانشگاهی و بیرون دانشگاهی با آن‌ها آشنا شده بودیم، اما الان دیگر این‌طور نیست و همه چیز در فضای مجازی خلاصه شده است و خیلی از این جلسات برای انتقال این معارف در فضای حقیقی کمتر شده‌اند. بنابراین وظیفه‌ای که به دوش نویسنده گذاشته شده، وظیفه سنگین‌تری است چرا که باید هم مخاطب را بشناسد و هم زاویه‌ای که برای روایت از تاریخ انتخاب می‌کند را بسیار دقیق انتخاب کند و با وسواس فراوانی کلمات و ادبیات را به کار بگیرد. دست آخر هم باید از صافی نگاه همه کسانی که به آن‌ها -از نزدیکان و دوستان- دسترسی دارد، بگذراند تا مطمئن شود مخاطب امروزی با این اثر ارتباط برقرار کرده و آن را درک می‌کند. این را از این نظر گفتم که ممکن است مخاطب امروزی با خیلی از مفاهیم از اساس غریبه باشد. این‌ها سختی‌هایی است که بالطبع نویسنده امروزی با آن‌ها درگیر است و واقعاً نوشتن از این‌ها پیش از این، به این حد دشوار نبود.

[redacted]

www. qudsonline.ir
پایگاه خبری تحلیلی قدس آنلاین

صلاح شأن التعایش والتعاشر ملء مکیال ثلثاه فطن وثلثه تغافل

سامان یافتن همزیستی و معاشرت به پیمانه‌ای ماند که دو سومش هوشمندی و یک سومش نادیده گرفتن (خطای دیگران) است.

پاسیاد

نگاهی کوتاه به زندگی علامه شرف‌الدین عاملی در سالروز درگذشت او

مبارز، عدالت‌خواه پیشگام تقریب

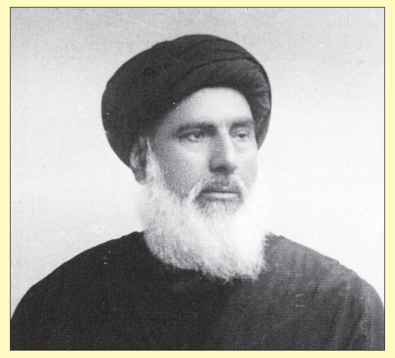

زینب اصغریان | از نسل سادات بود و با ۳۱ واسطه از مادر به ابراهیم المرتضی بن موسی بن جعفر(ع) می‌رسید. از کودکی وارد حوزه علمیه نجف شد و علوم اسلامی و دینی را در محضر اساتید فراگرفت. شرف‌الدین همزمان با تحصیلات فقه و اصول به مطالعه جدی احادیث از منابع معتبر شیعه و سنی پرداخت، تاریخ اسلام را فراگرفت و پیش از ۳۲ سالگی به درجه اجتهاد رسید که در نوع خود بی‌نظیر بود.

سپس به لبنان رفت. پس از سه سال اقامت در شهر «شحور»، به دعوت مردم صور در جنوب لبنان راهی آنجا شد. شرف‌الدین، ابتدا مدرسه، سپس حسینیه صور را ایجاد و با همراهی پدر و برادرش حوزه علمیه‌ای را راه‌اندازی کرد و به ترویج علم و تربیت نیروهای تازه نفس همت گماشت. در حسینیه صور به فعالیت‌های دینی و اجتماعی و مذهبی پرداخت. وی در مراسم خود از سخنرانان اهل سنت نیز استفاده می‌نمود و تلاش بسیاری برای نزدیک ساختن شیعه و سنی انجام داد. او برای تربیت نسل جوان، باشگاه مجلل و زیبای «نادی الإمام الصادق(ع)» و مسجدی در نزدیکی مدرسه جعفریه ساخت، سپس مدرسه دخترانه «الزهراء» را برای تربیت دخترانی معتقد و توانمند تأسیس و پس از آن دانشکده جعفریه را پایه‌ریزی کرد. این از بزرگ‌ترین کارهای اصلاحی سیدعبدالحسین شرف‌الدین بود که در راستای مبارزات ضد استعماری و در مقابله با مدارس تبشیری بنیان‌گذاری شد و در آن دختران و پسران رایگان تحصیل می‌کردند.

■ **مبارزه با استعمار**

مدتی پیش از جنگ جهانی اول، رهبری مبارزه با دولت عثمانی را بر عهده داشت و با آغاز جنگ جهانی، در حرکت‌های استقلال‌طلبانه نقش مؤثری داشت. در کنار قحطی ناشی از توقیف اموال مردم توسط عثمانی‌ها، در قحطی ناشی از حمله ملخ‌ها به لبنان نیز در سال ۱۹۱۵ همراه مردم به اعتراض علیه استعمار پرداخت. در حالی که روزانه صدها نفر از مردم لبنان جان خود را از دست می‌دادند سید عبدالحسین در کنار مردم و به‌عنوان پناهگاه مردم جنگ‌زده ایستاده بود و آن‌ها را همراهی و تشویق به مقاومت می‌کرد.

پس از پایان جنگ جهانی اول، درپی قرارداد سایکس - پیکو، امپراتوری عثمانی تجزیه شد و لبنان به فرانسه رسید. از این پس مبارزات علامه شرف‌الدین وارد مرحله تازه‌ای شد. او ابتدا علیه فرانسوی‌ها فتوای جهاد داد و فرانسوی‌ها هم تمام تلاش خود را کردند تا علامه را از میان بردارند ولی او توانست از شهر «صور» بگریزد. فرانسوی‌ها پس از مطلع شدن از خروج او، از عصبانیت خانه و کتابخانه او را به آتش کشیدند.

■ **نامه‌هایی از شین به سین**

از صور به دمشق و سپس به فلسطین و مصر رفت و با لباس مبدل در محافل دینی و ادبی مصر حضور می‌یافت و علما و مبارزان دینی را به «وحدت امت اسلامی» ترغیب می‌کرد. سید شرف‌الدین به دمشق رفت و سخنرانی‌های متعددی درزمینه برخورد جدی با استعمارگران فرانسه داشت، از این رو فرانسه او را به فلسطین تبعید کرد تا علامه مجبور به سکونت در «حیفا» شود. وی سپس وارد مصر شد و درزمینه وحدت شیعه و سنی سخنرانی‌های آتشین و قرای خود را بیان می‌کرد. در یکی از سخنرانی‌هایش جمله‌ای ماندگار بر زبان راند که «شیعه و سنی را روز نخست، سیاست (و مطالع سیاسی) از هم جدا کرده است و اکنون نیز باید سیاست (و مصالح سیاسی اسلام و مسلمانان) آن دو را در کنار هم بنشاند و متحدشان کند» و رشید رضا، عالم مشهور مصری که در جلسه حاضر بود این جملات را در مجله «المنار» منتشر کرد.

■ **مناظره با پادشاه وقت سعودی**

علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین زمانی که در ایام حج نزد شیخ عبدالعزیز حاکم وقت عربستان سعودی رفت یک جلد قرآن به وی هدیه داد. عبدالعزیز قرآن را بوسید. در همان حال، علامه به او گفت: «چگونه جلد قرآن را که پوست بزی بیش نیست می‌بوسی؟» عبدالعزیز گفت: «من جلد را به احترام قرآنی که داخلش است می‌بوسم» علامه شرف‌الدین گفت: «احسنت! زمانی که ما قبور پیامبر(ص) یا ائمه(ع) را می‌بوسیم می‌دانیم آهن و چوب هیچ کاری نمی‌توانند بکنند، بلکه غرض ما آن کسی است که ماورای این چوب‌ها و آهن‌ها قرار دارد. ما می‌خواهیم رسول خدا(ص) را تعظیم و احترام کنیم» در این هنگام بود که عبدالعزیز اجازه داد حجاج به آثار رسول خدا(ص) تبرک جویند.

علامه شرف‌الدین تنها فقیه شیعه است که در زمان «ملک حسین» پادشاه عربستان، به امامت در مسجدالحرام دعوت می‌شود و پشت سر او شیعه و سنی در کنار هم در مسجدالحرام نماز را اقامه می‌کنند.

■ **همراهی با نهضت‌های آزادی‌بخش**

مطالبات مردمی نهضت‌های آزادی‌بخش را رصد می‌کرد و از احوالات آن‌ها مطلع بود. پس از ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹، در زمان سفر آیت‌الله کاشانی به لبنان، به‌دلیل روشنگری علامه درباره نهضت ملی شدن صنعت نفت، کاشانی مورد استقبال چشمگیر مردم لبنان قرار گرفت و بعدها نیز شهید نواب صفوی در سال ۱۳۳۲ برای شرکت در کنفرانس قدس، به محضر علامه شرف‌الدین مشرف شد. علامه با نهضت‌های آزادی‌بخش همراهی ویژه‌ای داشته است از جمله این جنبش‌ها می‌توان به «ملی شدن کانال سوئز» در مصر اشاره کرد که به دلیل حمایت از مسلمین و مقابله با استعمارگران اتفاق افتاده بود و مورد تأیید ایشان قرار گرفت.

■ **برخورد با تازه مسلمانان**

مجله «حوزه» شماره ۳۹ می‌نویسد: در برخورد با تازه مسلمانان بسیار منعطف بود. روزی یکی از مسیحیان ثروتمند لبنان نزد ایشان آمد و گفت: من می‌خواهم مسلمان شوم. وظیفه من چیست؟ علامه فرمود: دو رکعت نماز صبح بخوان و سه رکعت نماز مغرب. گفت: مسلمانان ۱۷ رکعت نماز می‌خوانند. علامه گفت: آنان مسلمانیشان یک مقداری قوی شده است والا پیامبر اسلام برای تازه مسلمانان بنابر نقل تواریخ دو رکعت نماز صبح و عصر می‌خواندند. اکنون شما که مسلمان شده‌اید همین اعمال را انجام بدهید کافی است.

■ **مرد عدالت**

علامه مرتضی آل یاسین نجفی از بزرگان شیعه معتقد بود: «شرف‌الدین در جبل عامل زندگی جدیدی را آغاز کرد. درباره امور دینی و شعائر اسلامی سخت‌گیری می‌کرد؛ اما در اخلاق و رفتار، ملایم بود. در دفاع از حق، قدرت نشان می‌داد؛ اما در برابر مردم ضعیف و ناتوان، با رفق و مدارا رفتار می‌نمود. در آن روزگار لبنان، در زمین‌داری ناهنجاری وجود داشت. توده‌های مردم، در برابر مالکان، اختیاری از خود نداشتند و برای زندگی، معنایی جز بردگی نمی‌دانستند که درنهایت مرد حق، بر مالکان ستمگر پیروز شد.

سرانجام علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین، در سن ۸۷ سالگی، در لبنان از دنیا رفت. پیکر او به نجف منتقل و در جوار حرم علی بن ابی‌طالب(ع) آرام گرفت.

حکایت

مگر انسان نیست؟

امام صادق(ع) در یکی از سفرهای خود، مردی را مشاهده کرد که در گوشه‌ای بی‌حال افتاده بود. به همسفرش فرمود: گمان می‌کنم این مرد تشنه باشد، او را سیراب کن! وی به بالین آن مرد رفت؛ ولی دیری نپایید که برگشت. امام پرسید: او را سیراب کردی؟ پاسخ داد: نه، این مرد یهودی است و من از حال او آگاهم. امام از شنیدن این سخن برآشفت و فرمود: باشد، مگر انسان نیست؟!